

اینک این منم که آهنگِ آستان تو کرده‌ام ...

(درباره شب و روز عید فطر)

- پیامبر اکرم (ص): خداوند در چهار شب، پیوسته خیر فرو می‌ریزد: شب عید قربان و شب عید فطر [...]
- امام علی (ع): اگر بتوانی شب عید فطر و شب عید قربان [...] را مراقبت کنی، چنان کن و در این شب‌ها دعا و نماز و قرآن، بسیار بخوان.
- امام رضا (ع): امیر مؤمنان (ع) سه شب را نمی‌خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمه شعبان.
- امام حسن مجتبی (ع) در روز عید فطری به مردمی نگاه کرد که به بازی و خنده مشغول بودند. رو به اصحاب خود کرده، فرمود: خدای متعال، ماه رمضان را به عنوان میدانی برای مسابقه‌ی آفریدگانش آفرید تا به وسیله فرما بترداری از خدا، به سوی رضای الهی سبقت بگیرند. گروهی پیش افتاده و برنده شدند و گروهی هم عقب مانده و محروم گشتند.
- پس شگفت از خنده‌کننده‌ی بازیگر است در روزی که نیکوکاران پاداش می‌یابند و کوتاهی‌کنندگان، ناکام می‌شوند. به خدا سوگند، اگر پرده کنار رود [آشکار می‌شود که]، نیکوکار سرگرم نیکوکاری خود است و بدکار، گرفتار بدکاری خویش!
- امام صادق (ع): نماز عید در روز فطر، آن است که (با آبِ رود)، غسل شود. اگر رودی نبود، خودت با فروتنی، آب فراهم کن و غسل کردنت، زیر سایه یا زیر سقف باشد و تا می‌توانی، پوشیده باش. و چون خواستی چنین کنی، بگو: «خداوند! از روی ایمان به تو و باور به کتابت و پیروی از سنت پیامبرت محمد (ص)». سپس «بسم الله» بگو و غسل کن و چون از غسل فارغ شدی، بگو: «خداوند! این را کفاره گناهانم قرار بده و آیینم را پاک گردان. خداوند! آلودگی را از من ببر».
- امام صادق (ع): کسی که برای نماز عید بیرون می‌رود، سزاوار است بهترین جامه‌هایش را بپوشد و خود را با بهترین عطر، خوشبو سازد. و درباره‌ی آیه «ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر سجده‌گاه با خود بردارید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید، که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد» فرمود: این، در روز عید فطر و عید قربان و جمعه است.
- امام علی (ع) روز عید فطر، پیش از آن‌که به مصلاً برود، چیزی می‌خورد و روز عید قربان، چیزی نمی‌خورد تا آن‌که قربانی کند.
- نکته: سید ابن طاووس رحمه الله گوید: باید نیت روزه‌دار در خوردن روز عید، فرما بترداری از امر خداوند متعال باشد تا در خوردن خود نیز، مثل روزه گرفتنش، در حال عبادت و سعادت باشد.^۱ (ماه خدا، ص ۹۴۵)
- کتاب من لایحضره الفقیه: از امام صادق (ع) درباره‌ی آیه: «رستگار آن کس که پاک گردانید» [سوره اعلی، آیه ۱۴] پرسیدند. فرمود: «کسی که فطریه را بپردازد». گفتند: «و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد»؟ [سوره اعلی، آیه ۱۵] فرمود: «به صحرا رفت و نماز گزارد».

^۱ پیامبر اکرم (ص) به ابودر فرمود: باید تو را در هر کار نیتی نیکو باشد حتی در خوابیدن و خوردن.

□ امام صادق(ع): از کمال روزه، پرداخت زکات (یعنی فطریه) است، همان‌گونه که صلوات بر پیامبر(ص) از کمال نماز است؛ چرا که هر کس روزه بدارد، اما زکات نپردازد، اگر به عمد ترک کرده باشد، برای او روزه‌ای نیست، و نیز کسی که صلوات بر پیامبر(ص) را ترک کند، نمازی برای او نیست. خدای متعال، پیش از نماز، زکات را گفته است؛ فرموده است: «رستگار آن کس که پاک گردانید* و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد» [سوره اعلیٰ، آیات ۱۴ و ۱۵]

□ پیامبر خدا زکات فطره رمضان را بر مردم واجب کرد؛ بر هر آزاد یا برده، مرد یا زن مسلمان.

□ پیامبر اکرم(ص): [هر کس به اندازه‌ی تعیین شده فطریه بدهد؛] اما توانگرتان؛ خداوند او را پاک می‌سازد و اما نیازمندتان؛ بیش از آنچه می‌دهد، به او برگردانده می‌شود.

□ امام صادق(ع) فرمود: «هر کس روزه داری خود را با سخن شایسته یا کار شایسته به پایان برسانی، خداوند روزه او را قبول می‌کند». گفتند: ای پسر پیامبر خدا! سخن شایسته چیست؟ فرمود: «شهادت دادن به این که جز خداوند، معبودی نیست؛ و کار شایسته، پرداخت زکات فطره است».

□ امام باقر(ع): روز عید فطر و عید قربان و روز جمعه، چون آماده بیرون رفتن شدی، این دعا را بخوان: «خداوند! هر کس که آماده و مهیا شود و به امید عطا و بخشش و جایزه و احسان آفریده‌ای، ساز و برگ رفتن به حضور او فراهم سازد، پس - ای سرور من - باریابی و آمادگی و تهیه‌ی ساز و برگ و آماده شدن من، به درگاه توست و به امید بخشش و جایزه‌ها و احسان‌های تو. پس امروز ناامیدم مکن! ای آن که هیچ نیازمندی از درگاهش محروم نمی‌شود و هیچ برخورداری، از او نمی‌کاهد! من امروز کار شایسته‌ای به درگاهت نیاورده‌ام و به شفاعت آفریده‌ای هم امید نبسته‌ام؛ لیکن با اعتراف به ستم و بدی، به درگاهت آمده‌ام. نه دلیلی دارم و نه عذری. پروردگارا! از تو می‌خواهم که خواسته‌ام را بدهی و مرا با درخواستی برآورده برگردانی و مرا ناامید و بی‌بهره برنگردانی! ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ! برای خواسته بزرگ به تو امیدوارم. ای بزرگ! از تو می‌خواهم که گناه بزرگ مرا ببخشی. معبودی جز تو نیست. خداوند! بر محمد(ص) و خاندان محمد(ص) درود فرست و نیکی امروز را که شرافت و عظمتش بخشیده‌ای، روزی‌ام کن و در این روز، مرا از همه‌ی گناهان و لغزش‌هایم بشوی و از احسان خود بر من بیفزای! همانا تویی تو بسیار بخشنده».

□ پیامبر خدا(ص) برای نماز عید، پیاده بیرون می‌رفت و پیاده برمی‌گشت.

□ به نقل از ابو محمد هارون بن موسی: به امام رضا(ع) عرض کردم: سرورم! ما روایت می‌کنیم که پیامبر(ص) وقتی از راهی می‌رفت، از همان‌راه برمی‌گشت؛ بلکه از راه دیگری می‌آمد. فرمود: «پیامبر خدا چنین می‌کرد. من نیز چنین می‌کنم. پدرم(ع) نیز چنین می‌کرد. تو نیز چنین کن که روزی تو را افزون می‌کند. پیامبر خدا(ص) می‌فرمود: این، برای بندگان، روزی آورتر است.»

□ پیامبر خدا(ع) در روز عید فطر و عید قربان همراه فضل بن عباس، عبد الله، عباس، علی، جعفر، حسن، حسین، أسامة بن زید، زید بن حارثه و ایمن (پسر ام ایمن) بیرون می‌رفت، در حالی که صدایش را به تهللیل و تکبیر، بلند می‌کرد و از راه آهنگران می‌رفت تا به مصلاً می‌رسید و چون از نماز فارغ می‌شد، از مسیر کفش دوزان برمی‌گشت تا به خانه‌اش برود.

□ به نقل از عبد الرحمان بن حاطب - پیامبر خدا(ص) را دیدم که هنگام رفتن برای نماز عید، از راهی می‌رفت و از راهی دیگر برمی‌گشت.

□ پیامبر اکرم(ص): خداوند متعال در روز عید فطر و عید قربان، به زمین با عنایت می‌نگرد. پس، از خانه‌ها بیرون آید تا رحمت به شما برسد.

□ پیامبر اکرم(ص): چون روز عید فطر شود و مردم به صحرا بیرون روند، خداوند بر آنان می‌نگرد و می‌گوید: «بندگان من! برای من روزه گرفتید و برای من نماز خواندید. به خانه‌هایتان باز گردید که آمرزیده‌اید».

□ امام صادق(ع): هرگاه روز عید قصد سفر داری، اگر صبح دمید و تو در شهر بودی، بیرون مرو تا آن‌که در [مراسم] آن عید، حضوریابی.

□ امام صادق(ع): یک روز عید فطر یا عید قربان، به پیامبر خدا(ص) گفتند: خوب بود در مسجد خود نماز می‌خواندی. فرمود: «دوست دارم که به طرف آفاق آسمان بیرون آیم».

□ امام صادق(ع): سزاوار نیست که نماز عید فطر و عید قربان، در مسجد سقف‌دار خوانده شود و نه در خانه؛ بلکه در صحرا یا جای باز خوانده می‌شود.

□ امام علی(ع) روز عید فطر خطبه خواند و فرمود: «ستایش، خداوندی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. سپس آنان که به پروردگارشان کفر ورزیدند، از حق روی‌گردان می‌شوند. چیزی را برای خداوند، شریک قرار نمی‌دهیم و جز او، سرپرستی نمی‌گیریم. ستایش، خداوندی را که آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است، برای اوست، و نیز ستایش در آخرت، از آن اوست و او حکیم آگاه است و آن‌چه را در زمین فرو می‌رود و آن‌چه را از آن برمی‌آید و آن‌چه را از آسمان فرود می‌آید و آن‌چه را در آن بالا می‌رود، می‌داند و او مهربان آمرزنده است.

چنین است پروردگار ما، که ثنای او شکوهمند است. بی‌پایان و بی‌سرانجام و بی‌نهایت است و معبودی جز او نیست و سرانجام، به سوی اوست. ستایش، خداوندی را که آسمان را نگه می‌دارد تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او. همانا خداوند به مردم، دلسوز و مهربان است. خداوند! با رحمت ما را بیامرز و عافیت را برای ما فراگیر ساز و با نگهداری‌ات ما را یاری‌رسان و ما را از رحمت دور مگردان! همانا تو آمرزنده مهربانی. ستایش، خداوندی راست که از رحمتش مأیوس نمی‌شوند و از نعمتش محروم نمی‌گردند و از رحمتش ناامید نمی‌شوند و از پرستش او روی برنمی‌تابند؛ آن‌که با کلمه‌اش، آسمان‌های هفت‌گانه برپا شده و زمین‌های هفت‌گانه قرار یافته و کوه‌های بزرگ، ثابت گشته و بادهای بارورکننده جاری شده و ابرها در فضای آسمان، سیر کرده و دریاها بر حدود آن‌ها برپا شده است.

پس، خجسته است خداوند، پروردگار جهانیان، معبودی چیره و توانا که قدرت جویان، در برابرش خوارند و متکبران، در مقابلش بی‌مقدارند و جهانیان، خواهی نخواهی، گردن به فرمان او نهاده‌اند. او را می‌ستاییم به آن‌چه خودش را ستوده و آن‌گونه که شایسته اوست؛ و از او یاری می‌طلبیم و آمرزش می‌خواهیم؛ و گواهی می‌دهیم که معبودی جز خداوند نیست،

[و] شریکی ندارد. آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند و آنچه را دریاها می‌پوشانند و آنچه را لانه‌ها پنهان می‌کنند و آنچه را رَحِم‌ها می‌کاهند و می‌افزایند (زمان حمل)، می‌داند و هر چیزی نزد او به اندازه است. نه تاریکی‌ها از او پنهان است و نه چیزی از علم او پنهان. هیچ برگی نمی‌افتد، مگر این که آنرا می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین نیست و هیچ‌تر و خشکی نیست، مگر آن که در کتابی روشن‌گر است. و می‌داند که عمل‌کنندگان چه می‌کنند و به چه فرجامی برمی‌گردند.

از خداوند، هدایت می‌طلبیم و از گمراهی و تباهی به او پناه می‌بریم و گواهی می‌دهیم که محمد(ص)، بنده و پیامبر و فرستاده او به سوی همه‌ی مردم و امین وحی اوست. [گواهی می‌دهیم که] او رسالت پروردگارش را رساند و در راه خدا با روی گردآنان از او، نبرد کرد و او را پرستید، تا آن که یقین (مرگ)، او را فرا رسید. درود خداوند بر او و خاندانش! شما را - ای بندگان خدا - به پروا کردن از خدایی سفارش می‌کنم که هیچ یک از نعمت‌های او زوال نمی‌پذیرد و هیچ‌یک از رحمت‌های او گم نمی‌شود و بندگان از او بی‌نیاز نمی‌شوند و عمل‌ها پاداش نعمت‌های او نمی‌گردند؛ آن که به آخرت تشویق کرده و به دنیا بی‌علاقه ساخته و از نافرمانی‌ها برحذر داشته و با بقا، عزّت یافته و با عزّت و شکوه، یکتا گشته و مرگ را فرجام آفریدگان و راه‌گذشتگان قرار داده است.

پس، مرگ بر پیشانی همه‌ی آفریده‌ها ثبت، و بر گردنشان حتمی است. [مرگ،] نه ناتوان از رسیدن به گریزنده است و نه هیچ دور و نزدیکی، از چنگش می‌رود. هر لذتی را در هم می‌ریزد و هر شادمانی‌ای را از بین می‌برد و هر نعمتی را می‌گیرد. بندگان خدا! دنیا، سرایی است که خداوند برای اهل آن، فنا را پسندیده و کوچیدن از آن را بر ایشان حتمی ساخته است. هر چه در آن است، پایان یافتنی است و هر که در پی آن است، نابودشدنی. اما با این همه، دنیا شیرین و لذیذ و جذّاب و شاداب است؛ برای جوینده، آراسته است و به دل مشتاق، چسبیده؛ طمع‌کار، آن را نیکو می‌شمارد و ترسانِ هراسان، از آن گریزان است. رحمت خدا بر شما! از آن با بهترین توشه‌ای که نزد خود دارید، بکوچید و جز مقداری که شما را به مقصد برساند، بر نگیرید. در دنیا همچون مسافرانی باشید که در منزلگاهی فرود آمده و در اندک سایه‌ای آرمیده‌اند، سپس کوچیده و به راه خود رفته‌اند. به آنچه ثروتمندان خوش‌گذران از آن بهره‌مندند، چشم ندوزید تا در دنیا به خودتان زیان برسانید، که این، حساب شما را سبک‌تر می‌کند و برای نجات شما، نزدیک‌تر است.

هلا آگاه باشید که دنیا تغییر شکل داده و پشت کرده و در آستانه خداحافظی قرار گرفته است. آگاه باشید که آخرت نزدیک شده و روی آورده و بانگ آشنایی سر داده است. بدانید که امروز روز مسابقه و فردا روز پیشی گرفتن است. گرو این مسابقه بهشت و پایان آتش است. آیا توبه‌کننده‌ای از گناه وجود ندارد که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟ و یا عمل‌کننده‌ای که پیش از رسیدن روز تنگ‌دستی و بدبختی‌اش عمل نماید؟

خداوند، ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او بیم دارند و به امید پاداش اویند. آگاه باشید که امروز، روزی است که خداوند آن را عید قرار داده و شما را شایسته آن ساخته است. پس، خدا را یاد کنید تا شما را یاد کند، و او را بزرگ بشمارید و تسبیح و تمجید کنید و او را بخوانید تا پاسختان دهد، و از او آموزشی بخواهید تا شما را بیمارزد، و در پیشگاه او ناله و نیایش و توبه کنید و به سوی او باز گردید و زکات فطره خود را پردازید که سنت پیامبرتان و فریضه‌ی واجب پروردگارتان است. هر کس [باید] زکات فطره را از سوی خود و همه‌ی خانواده‌اش (مرد یا زن، کوچک یا بزرگ، آزاد یا بنده) جدا کند؛ برای هر نفر: یک صاع از جو، یا یک صاع از خرما، یا نیم صاع از گندم، از درآمد پاک خود با رضامندی.

بندگانِ خدا! یکدیگر را بر نیکی و تقوا یاری کنید و به یکدیگر مهربانی و عطف داشته باشید؛ واجبات الهی را در آنچه به شما فرمان داده است، ادا کنید (همچون: برپا داشتن نمازهای واجب، پرداختن زکات‌ها، گرفتن روزه ماه رمضان، حجّ خانه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، نیکی کردن به زنان و کنیزانتان) و در آنچه شما را از آن باز داشته، از خدا پروا کنید و در پرهیز از: دادن نسبت ناروا به زنان پاکدامن، انجام دادن زشتی‌ها، شراب‌خواری، کم گذاشتن در پیمان‌ها و کاستن از وزن، ادای گواهی دروغ، فرار از جنگ، [در ترک همه این‌ها]، از خدا فرمانبرداری کنید.

خداوند، ما و شما را با تقوا ننگه دارد و آخرت را برای ما و شما بهتر از این دنیا قرار دهد! همانا بهترین سخن و رساترین پند، سخن خدای متعال است: «أعوذ باللّٰه من الشیطان الرجیم؛ «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم * قل هو اللّٰه أحد * الله الصمد * لم یلد و لم یولد * و لم یکن له کفواً أحد». سپس نشست و برخاست و فرمود: «خدا را سپاس؛ او را می‌ستاییم و از او یاری و آموزش و هدایت می‌طلبیم. به او ایمان داریم و بر او تکیه می‌کنیم و از بدی‌های خودمان و بدی‌های کارهایمان، به خداوند پناه می‌بریم. هر که را خدا هدایت کند، هدایت یافته است و هر که را خدا بیراه گذارد، هرگز برای او سرپرستِ هدایت‌گری نمی‌یابی. و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، یکتای بی‌شریک است؛ و گواهی می‌دهم که محمد(ص)، بنده و فرستاده اوست».

(برگرفته از کتاب «ماه خدا»، انتشارات دارالحدیث)

امام سجّاد(ع)، چون از نماز عید فطر و عید قربان یا نماز جمعه فراغت می‌یافت، رو به قبله می‌کرد و می‌گفت:

ای آن که رحمت می‌آوری بر آن کس که بندگان به او رحم نمی‌کنند.

ای آن که انسان رانده از هر شهر و دیار را پذیرایی.

ای آن که نیازمندان خود را خفیف و خوار نمی‌گردانی.

ای آن که نومید نمی‌گردانی آن‌ها را که به جدّ از تو درخواست دارند.

ای آن که از درگاه خود نمی‌رانی آن‌ها را که فراوان طلب می‌کنند.

ای آن که هر تحفه‌ی ناچیزی تقدیمت کنند، می‌پذیری، و هر اندک عملی برایت انجام دهند، جزا می‌بخشی.

ای آن که کارِ بی‌ارزش را به لطف می‌پذیری و در برابر آن پاداش بزرگ می‌دهی.

ای آن که نزدیک می‌شوی به هر کس که به تو تقرّب جوید.

ای آن که به سوی خود می‌خوانی هر که را که از تو روی برگرداند.

ای آن که نعمت خود را دگرگون نمی‌سازی و به کیفر دادنِ ما شتاب نمی‌ورزی.

ای آن که نهال کار نیک می‌پروری تا آن‌را به ثمر نشانی و انبوه کنی، و از کار بد چشم خود می‌پوشی تا آن‌را از ریشه برکنی.

آرزوها پیش از رسیدن به منتهای کرم تو، با نیازهای برآورده باز آمدند، و کاسه‌های درخواست محتاجان، از بخشش بسیار تو لبالب گردیدند، و صفت‌ها پیش از آن‌که حقیقت نعمت تو را دریابند، از هم گسیخته شدند. اینک تو را سزاست آن برترین کمال که برتر از هر کمالی است، و آن والاترین شکوه که از هر شکوهی والاتر است.

هر بزرگی در برابر تو کوچک است، و هر شریفی در کنار شرف تو بی‌مقدار. آنان‌که به سوی غیر تو رو کردند، نومید شدند، و آنان‌که نیاز خود پیش دیگری بردند، زیان دیدند، و آنان‌که بر آستانِ غیر تو فرود آمدند، تباه گردیدند، و آنان‌که در جایی جز وادی فضل تو رزق و روزی جستند، به قحطی درآمدند.

درگاه نعمت به روی خواهندگان باز است، و بخشش در حق نیازمندان روا، و فریاد رسی‌ات به دادخواهان نزدیک.

امیدواران از تو ناامید نشوند، و آنان‌که نیاز خود نزد تو آورند، از عطای تو مأیوس نگردند، و آمرزش خواهان با عذاب تو به تیره روزی نیفتند.

خوانِ روزی‌ات برای کسی که نافرمانی‌ات کند گسترده است، و بردباری‌ات برای آن‌که با تو دشمنی ورزد، آماده. شیوه‌ی پروردگاری تو، نیکی کردن به بدکاران است و طریقتِ مهربان بودن با تجاوزکاران؛ تا آن‌جا که مدارا کردن تو آن‌را می‌فریبد که توبه نکنند، و مهلت دادنت بازشان می‌دارد که از گناه دوری گزینند.

اما تو در کیفر دادنِ ایشان شتاب نکرده‌ای تا مگر به فرمانت گردن نهند، و مهلت‌شان داده‌ای، چون به پایداری مُلک خود مطمئن بودی. پس هر که سزاوار نیک‌بختی بوده، عمرش را به نیک‌بختی فرجام داده‌ای، و آن‌که سزاوار تیره‌بختی بوده، او را به تیره‌بختی اش خوار کرده‌ای.

سرانجام کار همه چنان شود که تو خواهی، و بازگشت امورشان به سوی تو باشد. هر چه عمرشان به درازا کشد، پایه‌های فرمانروایی تو سست نگردد، و چون در کیفر دادنشان درنگ کنی، حجت آشکار تو باطل نشود.

حجت تو پایدار و باطل نشدنی، و فرمانروایی‌ات جاودان و زائل نگشتنی است. پس عذاب سخت و دائم نصیب کسی است که از تو روی برتافته، و ناامیدی بیچاره‌کننده آن‌راست که از درگاه تو دست خالی برگشته، و بدترین تیره‌بختی از آن کسی است که به مهلت دادنت گول خورده است.

این چنین کسی، در آتش عذاب تو چه بسیار دست و پا خواهد زد، و روزگار سرگشتگی‌اش در وادی عقاب تو چه طولانی خواهد بود، و چه دور است که اندوهش به پایان رسد، و بسی ناامید است از این که راه‌هایی‌اش گشوده شود. این همه، بر پایه‌ی حکم عادلانه و منصفانه‌ی توست که در آن بر کسی جور و ستم روا نمی‌داری.

خدایا، تو دلیل آشکار خود را فراوان و پی در پی فرستاده‌ای، و پیش از این، حجت‌های خود را بیان داشته‌ای، و ما را از عذاب خود بیم داده‌ای، و از سرِ لطف و مهربانی تشویق کرده‌ای، و مثل‌هازده‌ای، و مهلت را طولانی ساخته‌ای، و عذاب را به تأخیر افکنده‌ای، حال آن‌که می‌توانستی در آن عجله کنی؛ و درنگ ورزیده‌ای، حال آن‌که بر شتاب کردن توانا بودی.

درنگ تو در عقاب ما نه از روی بی‌قدرتی، و مهلت دادنت نه از روی سستی، و خودداری‌ات از مؤاخذه نه از روی غفلت، و به تأخیر افکندن عذابت نه از روی مداراست، بلکه تا دلیل تو رساتر، و کرم تو در حق ما کامل‌تر، و احسانت تمام‌تر گردد، و نعمتت به نهایت حدّ خود رسد. همه‌ی این امور، پیش از این بوده، و اکنون هست، و تا همیشه خواهد بود.

دلیل تو برتر از آن است که جملگی به وصف درآید، و بزرگواری تو بالاتر از آن که دست اندیشه به بلندایش رسد، و نعمت تو بیش از آن است که یک به یک در شمار آید، و احسان تو افزون‌تر از آن‌که بر کمترین آن سپاست گویند.

بی‌زبانی، مرا از حمد و ستایش تو ناتوان می‌دارد، و درماندگی از بزرگداشت تو، زبان مرا می‌بندد، و نهایت کوشش من این تواند بود که به ضعف و درماندگی خود اعتراف کنم؛ و این - ای معبود من - نه از سرِ بی‌رغبتی، که از ناتوانی من است.

اینک این منم که آهنگ آستان تو کرده‌ام و بخشش‌های نیک از تو می‌خواهم. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خواهش پنهانی مرا اجابت کن، و چون تو را بخوانم، مرا پاسخ گو، و روز مرا به ناامیدی پایان مده، و در آن‌چه از تو خواسته‌ام، دست رد بر سینه‌ام مزن. چون از پیش تو بازگردم یا نزدت آیم، در هر دو حالت، مرا گرامی بدار، که تو در عمل به خواسته‌ی خود دچار سختی نشوی، و در اجابت آن‌چه از تو خواهند عاجز نمایی، و تو بر هر کار توانایی، و هیچ جنبش و نیروی کاری نیست جز به خواست خدا، آن والا مرتبه‌ی بزرگ.

(دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه)